

سیر تاریخ‌نگاری محلی در ایالت کرمان

دکتر یوسف رحیم‌لو - عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
دکتر علی سالاری شادی - عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه
(از ص ۱۲۳ تا ۱۳۸)

چکیده:

تاریخ‌نگاری محلی، سومین گونه مشهور تاریخ‌نویسی پس از تواریخ سلسله‌ای و عمومی است. هر ایالت و شهری به فراخور اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کم و بیش دارای یک دو اثر و یا بیشتر، تاریخ محلی است. در این حالت، ایالت وسیع کرمان که حد فاصل بین فارس و خراسان است، از تاریخ‌نگاری محلی نسبتاً غنی برخوردار است و چنانچه تاریخ‌نگاری محلی آن را با سایر ایالات مقایسه نماییم، پس از خراسان و ایالات ساحل بحر خزر رویکرد سیاسی و نظامی دارد؛ چو آنکه ارتباط مستقیمی بین اعتلا و زوال حاکمیت محلی آن سامان و تاریخ‌نگاری محلی آن وجود دارد. مشهورترین مورخ محلی و حتی به نوعی پدر تاریخ‌نویسی ایالت کرمان افضل‌الدین کرمانی (متوفای اوایل قرن هفتم هجری قمری) است که با تألیف سه اثر، نخستین تاریخ‌نویسی محلی این ایالت را رقم زد. پس از آن سنت تاریخ‌نویسی محلی این سامان هیچ‌گاه از نکاپو باز نایستاد و همچنان تألیفات چندی درباره تاریخ این منطقه تحریر شد.

واژه‌های کلیدی: ایالت کرمان، افضل‌الدین کرمانی، تاریخ‌نویسی محلی.

مقدمه:

ایالت کرمان از نظر موقعیت جغرافیایی و حتی سیاسی، وضعیتی شبیه به منطقه یزد دارد. ایالت وسیع کرمان، حد فاصل بین فارس و خراسان است و هیچ‌گاه خاستگاه حکومتی فرا محلی نبوده است. کرمان در عصر قبل از اسلام ایالتی مستقل بود و پس از اسلام به سان یزد توسط والیان اداره گردید تا اینکه شعبه‌ای از آل بویه بر آن حاکم شد. پس از آن کرمان به دست قاورد، عموی ملکشاه سلجوقی (حکومت ۴۶۶-۴۷۲ ه.ق. / ۱۰۵۰-۱۰۷۴ م) افتاد. پس از یک قرن، این ایالت به تصرف غزان به سرکردگی ملک دینار غزّ (۵۹۱-۵۸۴ ه.ق. / ۱۱۹۶-۱۱۸۹ م) در آمد و عصر اغتشاش پیشین به امنیت تبدیل شد. در عصر مغول نیز حکومت نسبتاً مستقل قراختایی (۶۱۹-۷۰۳ / ۱۲۲۲-۱۳۰۳ م) بر سرنوشت این ایالت حاکم گردید.

ایالت کرمان، شهرهایی چون بردسیر، نرماشیر، سیرجان، بم، جیرفت و... دارد و شهر کرمان در واقع همان شهر بردسیر است (بار تولد، ص ۱۶۳). بردسیر و جیرفت پایتخت حاکمان محلی بود و معمولاً بین این، دو بیلاق و قشلاق می‌کردند (کرمانی، صص ۳۰، ۳۳، ۳۴-۳۵).

تاریخ نگاری محلی کرمان با حاکمیت محلی این سامان پیوند یافت و اولین تاریخ محلی کرمان به نام دینار غزّ موسوم به عقد العلی للموقف الاعلی توسط فردی بنام احمد بن حامد معروف به افضل الدین کرمانی به سال ۵۸۴ ه.ق. / ۱۱۸۹ م. تألیف شد. این مورخ به جز آن اثر، دو تاریخ محلی دیگر به نامهای بدایع الزمان فی وقایع کرمان و المضاف فی تاریخ کرمان که ذیل و مکمل اثر فوق است، دارد. پس از آن، مؤلفی ناشناس کتابی به نام تاریخ شاهی در حوالی سال ۶۹۰ ه.ق. / ۱۲۹۱ م. نوشت. به دنبال آن دو، ناصرالدین منشی کرمانی اثر سیمط

الغلی للحضرة الغلیا را در سال ۷۱۵ ه. ق. / ۱۳۱۵ م. تألیف نمود. وی همان است که نسائم الاسحار را در تاریخ وزراء نوشت. از این به بعد تاریخ‌نگاری کرمان دچار نوعی سکون و رکود گردید. علت این انقطاع به خاطر از دست رفتن استقلال نسبی محلی ایالت کرمان بود. قلمرو کرمان پس از آن جزئی از سرزمین حکومت‌های آل اینجو، آل مظفر و تیموریان گردید. در اوایل قرن دهم سعید محرابی با تألیف مزارات کرمان مجدداً دوره جدیدی از تاریخ‌نگاری محلی را شروع کرد و محمد بن ابراهیم با تألیف تاریخ سلجوقیان و غزّ و میرمحمد سعید مشیزی با نوشتن تذکره صفویّه کرمان تاریخ‌نگاری محلی کرمان را تداوم بخشیدند. بالأخره احمد خان وزیر با تألیف تاریخ کرمان آن را به نوعی تکمله و خاتمه داد.

بدین سان تاریخ‌نگاری محلی کرمان به نسبت سایر ایالات ایران از غنای خاصی برخوردار است. شاید ایالت بزرگ خراسان و منطقه شمال از این لحاظ با آن برابری کنند. با این حال، باستانی‌پاریزی شکوه کرده که منابع تاریخی کرمان اندک است (وزیری، مقدمه باستانی‌پاریزی، عو).

۱- عقد الغلی و بدایع الزمان کرمانی:

به هر حال، اولین مؤلف تاریخ محلی ایالت کرمان، افضل‌الدین ابوحامد احمد بن حامد است. از وی اطلاع خاصی در دست نیست. ظاهراً تا حوالی سال ۶۱۵ ه. ق. / ۱۲۱۹ م. در قید حیات بوده است. او با دربار طغرل شاه (متوفی ۵۶۵ ه. ق. / ۱۱۶۹ م.) از سلاجقه کرمان ارتباط داشت و مدتها نیز از ندیمان ملک ارسلان فرزند طغرل شاه‌مذکور بود (ابن ابراهیم، ص ۳۶؛ کرمانی، مقدمه باستانی‌پاریزی، ص ۹). آنچه که واقعیت دارد وی شاهد پاره‌ای از حوادث سیاسی و نظامی کرمان در قرن ششم هجری قمری بود و بعضی از آنها را نقل کرده است (کرمانی، ص ۷۲؛ کرمانی، ص ۶۶). با مرگ طغرل شاه، ملک ارسلان (مقتول ۵۷۲ ه. ق. / ۱۱۷۶ م.) و جانشین

وی، توران شاه نتوانستند اوضاع را تحت کنترل درآورند و غزآن به رهبری ملک دینار بر کرمان استیلا یافتند (کرمانی، صص ۶۴ - ۶۷). علی‌رغم آشنایی دیرین افضل‌الدین کرمانی با ملک دینار، وی به دعوت دوستان به یزد رفت، لیکن مجدداً به کرمان بازگشت. پس از آن به فکر تألیف کتاب *عقد العلی للموقف* الاعلی به نام ملک دینار که اکنون حاکم بلا منازع کرمان بود، افتاد. در پی آن، ملتزم رکاب ملک دینار شد (همان، ص ۲۶؛ وزیر، مقدمه باستانی‌پاریزی، عج-ص ۳). باستانی‌پاریزی، افضل‌الدین کرمانی را پدر تاریخ‌نگاری کرمان و بیهقی این سامان نامیده است (وزیری، مقدمه باستانی‌پاریزی، عر). افضل‌الدین علاوه بر تاریخ نویسی، در طب نیز سر رشته‌ای داشته است و جزوه‌ای مختصر موسوم به *صلاح الصحاح فی طب* نیز دارد (کرمانی، همان، ضمیمه، ص ۴۳-۵۴).

افضل‌الدین غرض خود را از تألیف تاریخ مواردی چون تشویق و ترغیب افراد به اعمال و صفات پسندیده، عبرت گرفتن از وقایع و حوادث، قدر دانستن ایام امینت و نعمت و... بر شمرد (کرمانی، همان، ص ۶۲ - ۶۰). با این حال، هدف واقعی وی، بیان احوال پادشاهی ملک دینار غزآ است که امینت از دست رفته کرمان را باز گرداند. او این اثر را به رسم سپاس به پیشگاه این حاکم تقدیم کرد (همان، ص ۷۴، ۱۶۲، ۱۶۴ - ۱۶۳).

نامنی اواخر ایام سلاجقه کرمان که حتی موجب سرگردانی مؤلف نیز شد، تأثیر عجیبی بر فکر مورخ در باب حکومت و مملکتداری گذاشت. او از این نامنی، رنجیده خاطر بود و حاکمیت ملک دینار، حداقل این آرزوی او را بر آورده کرد (همان، ص ۶۴، ۶۸، ۸۳ - ۸۲). همین ترس از نامنی باعث شد تا این مورخ، معتقد باشد پادشاه که لشکر و رعیت خورد بهتر از پادشاهی است تا او را رعیت و لشکر خورند (همان، ص ۷۵). او مشخصاً سقوط سلاجقه کرمان را ناشی از عشرت‌دوستی و عیاشی طغرل شاه می‌داند (همان، ص ۶۸؛ کرمانی، ص ۳۲). باین حال،

مردم را نیز مقصّر و متهّم به ناسپاسی در ایام امنیّت و رفاه نخستین ایام حاکمیت سلاجقه کرده است تا خدای سبحان لباس خوف و گرسنگی بر آنان پوشانید (همان، ص ۶۴). او در موضعی دیگر علّت خرابی ایالت کرمان را ناشی از رنجیدگی اولیایی چون شیخ محمّد در عهد ملک ارسلان می‌داند (کرمانی، صص ۹۵ - ۹۶).

گذشته از این موارد، او نابسامانی کرمان در اواخر عصر سلاجقه و استیلای غزّان را ناشی از قتل‌های نابجا، تأدیب و تنبیه ناروای رعایا، سپردن امور به دست ناهلان، طرد شدن ارباب عقل و علماء، ترقی سَفْها، بی‌وفایی به عهد و میثاق و... دانسته است (کرمانی، صص ۷۲ - ۷۰). با این حال، وی نیز به‌سان سایر مورّخان اعتقاد دارد هر کاری را غایتی و هر دولتی را نهایی است که وقوع این روند نیز اجتناب‌ناپذیر است (همان، ص ۷۳). مورّخ از این وقایع، اغلب نتایج اخلاقی می‌گیرد. او باز مثل سایر مورّخان به نجوم، اقبال، تقدیر و... اعتقاد دارد (همان، صص ۶۵ - ۶۴، ۷۵ - ۷۴).

کتاب عقد العلی، علاوه بر مطالبی که درباره انقراض سلاجقه کرمان و استیلای غزّان دارد، درباره اوضاع جغرافیای طبیعی و شهرهای کرمان حاوی اطلاعات فراوانی است (همان، صص ۱۳۷ - ۱۲۶). افضل‌الدین کرمانی کتاب عقد العلی را مملو از نظرات سیاسی و مملکتداری کرده است (همان، صص ۱۲۱ - ۸۱). او به‌سان یک سیاست‌نامه نویسنده سستی مجموعه وظایفی را برای سلطان در نظر گرفته است که در کانون آن، عدالت پادشاه و اطاعت رعیت نهفته است (همان، صص ۱۱۶، ۱۰۹ - ۱۱۴). در رأس اجتماعی که او می‌شناسد شاه به عنوان نایب حق - تعالی - و خلیفه خداوند قرار دارد (همان، صص ۱۱۰ - ۱۰۸). او سیاست را این‌گونه یافته است که پادشاه هر طبقه‌ای را نیک شناسد و حدّ آن را نگهدارد تا حرمتها فرو نریزد و ظلم، جاری نگردد (همان، ص ۱۱۵ به بعد).

افضل‌الدین کرمانی پس از تألیف عقد العلی به سال ۸۷۴ ه. ق. / ۱۴۵۰ م. دو کتاب دیگر بنام‌های بدایع الزمان فی وقایع کرمان و المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان تألیف کرد که اثر اخیر در واقع جزوه‌ای مختصر و به‌عنوان ذیل نخستین اثر است. افضل‌الدین کرمانی، بدایع الزمان را در حوالی سال ۶۰۵ ه. ق. / ۱۲۰۹ م. تألیف کرده است (کرمانی، سی، ص ۹۴). این کتاب بر جای نمانده است و آنچه اکنون در دست است حاصل کوشش مهدی بیانی می‌باشد که باحوصله‌ای در خور به استخراج و التقاط روایات و مطالب مسطور از بدایع الزمان درآثاری چون مجموعه تواریخ متأخر محلی کرمان و یا آثاری چون جامع التواریخ حسنی اقدام کرده است (همان، یک - سی). باستانی‌پاریزی در بیان ارزش بدایع الزمان و مقایسه آن با عقد العلی خاطر نشان کرده که افضل‌الدین را باید بیهقی کرمان دانست، زیرا به روش بیهقی به وقایع معاصر خود نگاه کرده است. او از ذکر حقایق علی‌رغم درباری بودن خودداری ننموده است و از نظر فلسفه تاریخ به علل و کیفیت حوادث و نتایج حاصل از آن نظر داشته و تجزیه و تحلیل نموده است و برا خلاف عقد العلی از حشو و اطباب به دور است، زیرا مؤلف فقط توجه به تاریخ داشته نه حکمت و اخلاق (بن ابراهیم، مقدمه باستانی‌پاریزی، هشناد و هفت).

افضل‌الدین کرمانی با مجموعه تألیفات تاریخ محلی کرمان، تأثیر قاطع و بارزی بر مورخان متأخر تاریخ کرمان و حتی نویسندگان تواریخ عمومی گذاشت.

۲- تاریخ شاهی از مؤلفی ناشناس:

در اواخر قرن هفتم هجری قمری اثری به نام تاریخ شاهی در احوال قراختایان کرمان (۷۰۷ - ۶۱۹ ه. ق. / ۱۳۰۷ - ۱۲۲۲ م.) تألیف شد. از مؤلف ناشناس آن اطلاعی در دست نیست. با این حال، ناصرالدین منشی کرمانی، مؤلف تاریخ شاهی را فردی به نام خواجه شهاب‌الدین ابوسعید نوشت و اثر خود را مکمل و ذیل آن قلمداد کرد (منشی کرمانی، صص ۷-۶). باستانی‌پاریزی

مصحح تاریخ شاهی (موجود و چاپ شده) با احتیاط و به سبب ابهاماتی چند به صراحت، مؤلف آن را خواجه شهاب‌الدین ابوسعید ننوشته بلکه ترجیح داده مؤلف آن را ناشناس بخواند (نک: تاریخ‌شاهی، دیباچه باستانی‌پاریزی، پاره - دوازده).

صرف‌نظر از آن، کتاب موجود نیز ناقص است. صرفاً بخش کوتاهی از تاریخ‌قراختاییان کرمان از آن باقی مانده است و قسمتهای اول و دوم کتاب، موجود نیست (همان، شانزده - هفده). آنچه که در دست است بیشتر دربارهٔ سیاست و مملکت‌داری و شرایط و ضوابط آن است.

او پادشاهی را نایب و جانشینی انبیاء و صحابه، فرض و وظیفه او را محافظت از دین و ایجاد نظم قلمداد کرده است. وی در ادامه، هدف نهایی حاکمیت را ایجاد عدل دانسته و بر آن تأکید ورزیده است (همان، صص ۳-۲، ۷). مؤلف به‌سان مورخان درباری از حاکمیت عصر، تعریف و تمجید می‌نماید و از جمله قُتْلَغ تَرکان خاتون و پادشاه خاتون را می‌ستاید (همان، صص ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۸، ۲۲۷، ۲۲۹). او گذشته از این که قتلغ ترکان را حاکمه عادل و صاحب کرامات و شجاعت می‌داند، حاکمیت او را در طول تاریخ، بی‌نظیر می‌خواند (همان، ص ۱۳۲). او حتی قول داد که کتابی اختصاصی در احوال پادشاه خاتون تألیف نماید تا او را بهتر بشناساند (همان، ص ۲۲۹). مؤلف به ناپایداری ایام، جفای روزگار و بی‌وفایی آن اعتقاد دارد و به‌سان سایر مورخان به تأثیر نجوم و سعد و نحس آن باور داشته است (همان، صص ۱۵۸ و ۱۶۰). لذا بینشی متفاوت و روشی جدای از مورخان دیگر ندارد. با این حال اثر وی در نوع خود یکی از حلقه‌های تاریخ‌نگاری محلی کرمان و واسطهٔ مجموعهٔ تواریخ افضل‌الدین و ناصرالدین منشی‌کرمانی مؤلف سَمَطُ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَیَاءِ است.

۳- سِمْطُ الْعُلَى مَنْشَى كَرْمَانِي:

اما مؤلف سِمْطِ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَيَا، ناصرالدین منشی کرمانی است. از این مورخ، اطلاع چندانی در دست نیست. پدرش خواجه متجب الدین عمده الملک یزدی در دستگاه اتابکان یزد سمت دبیری داشت و پس از آن به قطب الدین محمد برادرزاده براق و شوهر قتلغ ترکان، دومین حاکم قراختایی کرمان، پیوست (منشی کرمانی، ص ۲۳).

خواجه مذکور در سال ۶۷۵ هـ.ق. / ۱۲۷۷ م. در گذشت و در آن ایام پسرش ناصرالدین که متولد سال ۶۶۸ هـ.ق. / ۱۲۷۰ م. است، هفت سال بیشتر نداشت و عموش نصیر الملک سرپرستی او را بر عهده گرفت و او را به دستگاه حکومتی قراختاییان داخل کرد (همان، مقدمه، ب- ۱۰۴، ۶۵). با این سابقه خانوادگی، وی دبیری برجسته و متکلف نویس شد. عناوین سجع گونه آثار وی دلالت بر این امر دارد. مؤلف ظاهراً سِمْطِ الْعُلَى لِلْحَضْرَةِ الْعُلَيَا را تقلید گونه از نام عقد العلی للموقف الاعلی اخذ و اقتباس کرده است. این خود می‌رساند که وی آثار افضل الدین کرمانی را می‌شناخته و به آن اشاره می‌نماید، کماینکه اثر خود را مکمل و ذیل تاریخ شاهی در احوال قراختاییان می‌شمارد (همان، ص ۷-۶، ۱۷). ناصر الدین منشی، کتاب را به سال ۷۱۶ هـ.ق. / ۱۳۱۶ م. به نام ایسن قتلغ نویان از امرای الجایتو و ابوسعید نوشت (همان، ص ۸-۷، ۹۸-۹۷). سِمْطِ الْعُلَى تاریخچه مختصر کرمان و تفصیل بیشتر تاریخ قراختاییان کرمان از سال ۶۱۹ تا ۷۰۳ هـ.ق. / ۱۳۰۳ - ۷۰۳ م. است که باتکلمه‌ای تا سال ۷۱۵ هـ.ق. / ۱۳۱۵ م. ادامه می‌یابد.

ناصر الدین منشی دبیری چیره دست و مصنوع نویس است و خود را به این صفت ستوده است. کتاب سِمْطِ الْعُلَا وی به سان نسائم الاسحار، نثری ثقیل

و مصنوع دارد و مملو از عبارات و جملات عربی و اشعار است و الگوش نشر تاریخ یمینی است (همان، ص ۷، ۱۰، ۱۲-۱۳).

صرفنظر از نگارش مصنوع و متکلف وی که باید برای طبقه دبیران و اهل دیوان باشد، نگرش تاریخی وی نیز طبقاتی و قالبی است. او تاریخ را چیزی جز انعکاس احوال طبقات عالی جامعه مانند حاکمان، وزراء، امرا و دیوانیان نمی‌داند و از اینکه مورخان دیگر به تعبیر او به «ادوان و اوساط و اراذل و اسقاط» توجه می‌نمایند با تعجب آنها را «دراز نفسان گزاف درای» می‌خواند (همان، ص ۱۰).

بدین سان مؤلف اثرش را اختصاصاً برای منشیان مشکل‌پسند و آن هم احوال‌اعیان و بزرگان صاحب‌جاه نگاشته است. همین طرز تفکر باعث شد تا وی کتابی نیز در احوال وزراء (نسائم الاسحار من لطائم الاخبار) بنگارد. با این حال مؤلف، فردی است که هر داستان و افسانه‌ای را به راحتی قبول نمی‌نماید و بیان فردوسی در چگونگی بنیاد کرمان و افسانه کرم هفتواد را جعلی و موضوع نه معقول و منطقی می‌شمارد (همان، ص ۱۲).

این اثر، خصوصیات یک تاریخ سلسله‌ای محلی را دارد و مملو از تعریف و تمجید از قراختاییان کرمان است (همان، ص ۲۲، ۳۴-۳۲ و...) سمط العلّی به‌سان سایر آثار تاریخ محلی کرمان کمتر به احوال فرهنگی، آداب و رسوم، موقعیت و تاریخ شهری توجه نموده، اما مملو از توصیف کشاکش‌های سیاسی و نظامی است.

پس از سمط العلّی، تاریخ‌نگاری محلی کرمان تا مدت‌ها بی‌پیرو ماند. نابودی حکومت‌های محلی کرمان و قرار گرفتن آن تحت لوای حکومت آل مظفر، تیموریان و صفویان از موجبات آن است. در اوایل حکومت صفوی در ادامه مزار نویسی عصر تیموری، سعید محرابی تذکره الاولیاء کرمان را در باب مزارت آن نوشت که چیزی در حد تاریخ ملازاده احمد معین الفقرا و یا مقصد الاقبال سید اصیل الدّین واعظ است.

تألیف تذکرة الاولیای کرمان در واقع تداوم مزار نویسی عصر تیمجوری است و ربطی به تاریخ نگاری عصر صفوی ندارد.

۴- سلجوقیان و غز در کرمان از محمد بن ابراهیم:

پس از این تألیف، تاریخ نگاری کرمان به مدت یک قرن متوقف ماند تا اینکه فردی به نام محمد بن ابراهیم به تاریخ نگاری محلی کرمان توجه نمود. اما وی تاریخ کرمان عصر خود را مورد توجه قرار نداد بلکه به حوادث بین سالهای ۶۱۹-۴۶۷ ه. ق. / ۱۰۷۵ - ۱۲۲۲ م. پرداخت. علت این انتخاب در وهله اول، وجود منابع متعددی درباره این دوره از تاریخ کرمان است که محمد بن ابراهیم با سهولت به نقاط و رونویسی از آنها اقدام کرد و کتاب سلجوقیان و غز در کرمان را نگاشت. بیانی اعتقاد دارد صرف وجود تاریخ بدایع الزمان موجب این تألیف شد و مؤلف را غارتگر خوانده، در حالی که باستانی پاریزی این اتهام را رد نموده است (نک: محمد بن ابراهیم، مقدمه، پنجاه و چهار - پنجاه و پنج).

از احوال مؤلف، اطلاع اندکی در دست است. محمد بن ابراهیم از مردم خبیص و از نوادگان زاهدی به نام ابوطالب زید - بر اساس ادعای خود - است. با این وصف، مؤلف از نوادگان دختری سلجوقیان است (محمد بن ابراهیم، ص ۱۵). شاید یکی از دلایل توجه به آن دوره از تاریخ کرمان، قرابت مؤلف با سلاجقه کرمان باشد.

محمد بن ابراهیم علاوه بر کرمان، مدتی نیز در سیستان به سر برده است. وی خاطر نشان نموده که پس از زیارت تربت امام رضا (ع) به سال ۱۰۲۵ ه. ق. ۱۶۱۷ م. ایامی چند را نزد خویشاوندان خود در سیستان سر کرده است (همان، ص ۱۲). در این ایام، حاکم کرمان، گنجعلی خان (۱۰۳۳ - ۱۰۰۵ ه. ق. / ۱۶۲۴ - ۱۵۹۷ م.) بود که از نحوه مناسبات مؤلف با وی اطلاعی در دست نیست (همان،

محمد بن ابراهیم مانند مورخان متأخر کارش نقل و اقتباس مطالب مورخان پیش‌بوده و بخش زیادی از نوشته‌های ابوحامد افضل‌الدین کرمانی را رونویسی کرده است، اما وی در مواضع متعدّد به این اخذ و اقتباس اشاره دارد و حتّی افضل‌الدین کرمانی را ستایش نموده است (همان، ص ۴۸ به بعد، ۵۴، ۷۲، ۹۶، ۹۹ و...). پس بر خلاف بیانی نباید او را غارتگر آثار افضل‌الدین شمرد. حداقل این اخذ و اقتباس باعث شد تا اثر مفقود بدایع الزمان مجدداً تحریر گردد و پاره‌ای از مطالب آن محفوظ ماند. محمد بن ابراهیم از تاریخ شاهی سود برده و اما به اشتباه آن را تألیف ناصرالدین منشی کرمانی دانسته است (همان، ص ۲). گذشته از آن، مؤلف بعضاً از منابع عربی سود جسته و عبارات همان متن عربی را نقل کرده است (همان، صص ۲۶-۲۵).

کتاب ناقص است و قسمتی از مقدمه آن که شاید می‌توانست بینش و غرض مؤلف را نشان دهد، در دست نیست. محمد بن ابراهیم، از سلاجقه، تعریف و تمجید کرده و آنها را به خاطر اجرای عدالت و مردم‌داری ستوده است (همان، ص ۱۴۹). برعکس از ورود و استیلای غزّ و نحوه رفتار و معامله آنها با مردم، ویرانی شهرها و کشتار مردم انتقاد نموده است (همان، صص ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۰، ۱۹۰ و...). در این میان او بین حاکم غزّ، یعنی ملک دینار و توده غزّ تفاوت قائل است و ملک دینار را به خاطر ایجاد امنیّت و رعایت عدالت تحسین کرده است (همان، صص ۱۶۷-۱۶۸، ۱۸۳، ۱۶۱).

او به سان مورخان عصر به تقدیر اعتقاد دارد و انقراض سلاجقه را با آن توجیه کرده است (همان، ص ۱۲۸). با وجود آنکه کتاب در عصر صفوی تألیف شده، اما چون موضوع مورد توجه مؤلف و منابع وی متعلّق به عصر پیش از مغول بود، کتاب به تاسی از منابع مورد استفاده، مملو از عبارات، روایات و اشعار عربی است که با ادبیات عصر صفوی چندان همخوانی ندارد.

۵- تذکره صفویه از کرمان مشیزی:

در عصر صفوی کتابی، به نام تذکره صفویه کرمان توسط فردی از دیوانیان و مستوفیان به اسم میر محمد سعید مشیزی تألیف یافت که نوعی احوال عمومی، اداری، سیاسی، اقتصادی و... کرمان بین سالهای ۱۰۳۵ - ۱۱۰۴ ه.ق. / ۱۶۹۳ - ۱۶۲۶ م. است. مؤلف، این اثر را به مرور بین سالهای ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۵ ه.ق. / ۱۶۸۴ تا ۱۶۹۴ م.، در مدت ده سال فراهم کرده است (مشیزی، ص ۳۵۳، ۳۴۱).

مؤلف در حوالی سال ۱۰۴۳ ه.ق. / ۱۶۳۳ م. متولد شده است. پدرش میرشهاب‌الدین و عمویش جزو دیوانیان محلی کرمان بودند (همان، ص ۲۱۳، ۲۳۷). مؤلف در علم سیاق تحصیلاتی داشت و در سنین جوانی به سال ۱۰۶۴ ه.ق. / ۱۶۵۴ م. محرر دفترخانه شد و پس از آن به سال ۱۱۰۳ ه.ق. در ایام حاکمیت شاه ویردی خان، منشی او گردید (همان، ص ۶۰۳، ۶۵۲). او فردی متمول و صاحب کارخانه کاسه‌گری بود (همان، ص ۳۷۹).

کتاب تذکره صفویه وی ناقص است و مطالبی که درباره بزرگان و اعیان کرمان در حکومت گنج علی خان (۱۰۳۳ - ۱۰۰۵ ه.ق. / ۱۶۲۴ - ۱۵۹۷ م.) دارد، ناتمام است. مؤلف در مجموع با اشاره به حاکمیت والیان صفوی به ترتیب سنواتی، وقایع برجسته و دستیاران اداری، دیوانی و سپاهی حاکم را با اشاره به کارکرد آنها نام می‌برد. گذشته از آن به احوال پاره‌ای از طبقات، مانند اطباء، خطاطان، علماء و... نیز توجه نموده است. مؤلف به سان مورخان محلی بعضاً اطلاعات جغرافیایی درباره باغها، املاک، محلات، عمارات و همچنین درباره کشاورزی و بازرگانی به دست داده و اوضاع اجتماعی و درگیری دستجات مختلف اعم از گروههای قومی و مذهبی را نیز بیان کرده است.

گذشته از این مطالب و اشارات، مناسبات حاکمیت مرکزی صفوی با والیان کرمان و نمونه‌هایی از ایالت داری صفویان را در مدت طولانی نشان داده است.

مؤلف بر نکته‌ای با اهمیّت انگشت نهاده و آن، مصادرهٔ اموال حاکم و والی پیشین و اطرافیان او توسط حاکم بعدی با اشاره و اطلاع حاکمیّت مرکزی است که خود حاکی از نوعی فقدان ضابطه در ایالت‌داری صفویان تواند بود (ممان، ص ۵۷۴، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰، مقدمه باستانی‌پاریزی، ۱۱ به بعد).

۶- تاریخ کرمان وزیری:

فرجام تاریخ‌نگاری محلی کرمان، تاریخ عمومی کرمان (سالاریه) از احمد علی‌خان وزیری است. احمد علی‌خان وزیری سلسلهٔ نسب خود را به براق حاجب حاکم قراختایی کرمان رساند و در عصر زندیه و قاجار خاندانش از نفوذ زیادی در کرمان برخوردار بودند (وزیری، مقدمهٔ باستانی‌پاریزی، قمع - قمع). جدّ بزرگ وی به نام آقا علی‌خان کمک مؤثری به آغامحمدخان قاجار در فتح کرمان نمود به گونه‌ای که خان قاجار، خانهٔ وی را حرم امن اعلام کرد (ممان، صص ۳۶۹-۳۶۵). اما ظاهراً احمد علی‌خان مؤلف کتاب سمت دیوانی نداشت هر چند از حکومت مستمری دریافت می‌کرد (ممان، قحط). مؤلف در اواخر عمر برای مداوا به تهران رفت و به سال ۱۲۹۵ ه. ق. / ۱۸۷۸ م. در آنجا در گذشت (ممان، قحط). احمد علی‌خان کتاب خود را بین سالهای ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۳ ه. ق. / ۱۸۷۴ تا ۱۸۷۶ م. تألیف کرد (ممان، صص ۱۵، ۱۷، ۲۹۴). اهتمام عبدالحسین میرزا سالار در ذیل‌نویسی کتاب تا سال ۱۳۱۷ ه. ق. / ۱۹۰۰ م. موجب شد تا این کتاب به تاریخ سالاریه نیز مشهور گردد (ممان، قتب).

تاریخ کرمان وزیری در واقع، ماحصل و چکیدهٔ تمام تواریخ محلی کرمان تا آن ایام است و به‌خصوص برای عصر زند و قاجار علی‌رغم اختصارش قابل توجه است.

احمد علی‌خان ظاهراً تحت تأثیر شیوه تاریخ‌نویسی جدید در باب تاریخ قدیم کرمان کمتر به افسانه و داستان پرداخت و اعتقاد داشت از تاریخ کرمان

سند معتبری وجود ندارد (همان، ص ۳). او تاریخ پیشدادیان را افسانه و اغلب مطالب آن را فاقد استفاده تاریخی ارزیابی کرد (همان، صص ۳، ۶، ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۶۱، ۷۸ و...). آنچه در این میان نیز قابل ملاحظه است استفاده‌اش از تاریخ سرجان مالکوم و تأیید و تصدیق مطالب آن است (همان، ص ۳). با این حال، مؤلف بعضاً با اغراق از تحقیقات خود در صحت و سقم قضایای تاریخ سخن گفته است (همان، ص ۳، ۶۵، ۱۴۲).

او افضل‌الدین کرمانی، مؤلف عقد‌العلی، را متهم به بی‌دقتی و ادعای او را در باب قطع دست احمد معزالدوله بویه‌ی رد کرده و مدعی است که بیش از صد نسخه را بررسی نموده و چنین موضوعی را ندیده است (همان، صص ۶۶ - ۶۵). او اعتقاد دارد مؤلف مذکور دخلی به تاریخ ندارد و در طب و انشا صاحب مهارت است (همان، صص ۶۶ - ۶۵). در موضعی دیگر وی را متهم به اغراق گویی در حق ملک دینار کرده است (همان، صص ۱۳۰ - ۱۳۱). شاید پاره‌ای از انتقادات وی به‌جا باشد، اما بعضاً مطالب نامربوط و انتقادات بی‌معنی نیز دارد.

این مؤلف، تاریخ را بیشتر شرح احوال سیاسی و نظامی دانسته و از مورخان چون عبدی بیگ شیرازی و افضل‌الدین کرمانی انتقاد می‌کند که چرا از قحط سالی ۵۶۹ هـ. ق / ۱۱۷۴ م. بصورت مشروح یاد کرده‌اند، در حالی که ذکر آن، شایسته یک کتاب تاریخی نیست (همان، صص ۱۲۱ - ۱۲۰). این بیش منحنط، ناشی از دست کم گرفتن احوال اجتماعی و معیشتی مردم است.

همین نگرش در واقعه مشهور قتل عام کرمانیان توسط آغامحمدخان نیز که به سرعت از آن گذشته است، مشهور می‌باشد. او به نحوی تصرف و قتل عام کرمانیان را نیز توجیه کرده و عملکرد آغا محمدخان را لازمه سیاست و ریاست دانسته است (همان، صص ۳۷۲ - ۳۷۱). آری، این آخرین مورخ برجسته تاریخ نگاری محلی کرمان، هر چند به نوعی در ابتدا تحت تأثیر تاریخ نویسی جدید قدم نهاد،

اما پایگاه طبقاتی و وابستگی او به دربار موجب شد تا در بیان مطالب تاریخی، مردم را دست‌کم گیرد. پاره‌ای از اعتقادات و نگرش‌های وی بسیار منحط و دون اندیشه یک مورخ است.

نتیجه:

در یک نگاه اجمالی، تاریخ‌نگاری محلی کرمان بیشتر در بند تاریخ سیاسی است نه درباره شهرها و مدنیت و اوضاع فرهنگی و اجتماعی. از این‌رو، تاریخ‌های کرمان تفاوت خاصی با تواریخ محلی شهر یزد و بیشتر با تواریخ محلی سواحل بحر خزر مشابهت دارند. آری، تاریخ‌نگاری محلی کرمان ارتباط مستقیمی با سلسله‌های محلی حاکم بر این ایالت دارد و هر گاه سلسله‌ای محلی تأسیس شد تاریخ‌نگاری محلی آن نیز رونق گرفت و هر گاه استقلال محلی آن از دست رفت، تاریخ‌نگاری محلی آن دچار ویاال و افول گشت. این وابستگی تام تاریخ‌نگاری محلی کرمان به سلسله‌های محلی آن موجب شد تا توجه کمتری به پدیده شهرنشینی و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی این ایالت بشود.

منابع:

- ۱- بارتولد و. و، تذکره جغرافیای ایران، ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۲- تاریخ شاهی از مؤلفی ناشناخته، به اهتمام و تصحیح دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵ ه.ش.
- ۳- کرمانی افضل‌الدین احمد بن حامد، بدایع الزمان فی وقایع کرمان، فراهم آورنده مهدی بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۶ ه.ش.

- ۴- _____ ، عقد العلی للموقف الاعلی، به تصحیح و اهتمام علی محمدنابینی، چاپ دوم، انتشارات روزبهان، تهران، ۱۳۵۶ ه.ش.
- ۵- محمد بن ابراهیم، سلجوقیان و غز در کرمان، به کوشش دکتر باستانی‌پاریزی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۴۳ ه.ش.
- ۶- مشیزی، میر محمد سعید، تذکره صفویه. کرمان، مقدمه و تصحیح و تحشیه دکتر محمد ابراهیم باستانی‌پاریزی، نشر علم، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.
- ۷- منشی کرمانی، ناصر الدین، سِمْطُ الْعُلَیِّ لِلْحَضْرَةِ الْعُلَیَّاءِ، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۸- وزیری کرمانی، احمد علی خان، تاریخ کرمان (مسالاریه)، به تصحیح و تحشیه دکتر باستانی‌پاریزی، شرکت سهامی کتابهای ایران، تهران، ۱۳۴۰ ه.ش.